

هو الفتح العليم
شرح أنوار بر أنوار
در پرتو
تبیانِ مجمعِ بیان و کشفِ اسرارِ روحِ جنان

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ
لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا

اثر: دکتر سید امیر محمود انوار

از: دانشگاه تهران

«مقاله اول»

چکیده:

قاضی ناصرالدین ابی سعید عبدالله بن عمر بن محمد شیرازی بیضاوی دانشمند و فقیه و مفسر بزرگ قرن هشتم فارس و ایران را تفسیری ارجمند، بنام أنوار التنزیل و أسرار التأویل است که در طول تاریخ، از زمان تألیف، مورد توجه دانشمندان و مفسران بزرگ اسلامی بوده است و بیش از پنجاه شرح و تعلیقه بر آن نگاشته‌اند. گروهی أنوار را شرح و تعلیقه‌ای بر کشف اثر جارالله زمخشری دانسته‌اند، اما از آنجا که جارالله را مذهب حنفی و مکتب معتزلی بوده است و قاضی را مذهب شافعی و مکتب اشعری، قاضی در ضمن تفسیر خود به ردّ و جواب جارالله پرداخته و طرحی نو در انداخته و ضمناً به حبل‌المتین شیخ الطائفه طوسی و علامه طبرسی چنگ انداخته و تلویحاً به ردّ عقائد ایشان نیز پرداخته است.

قاضی را در این تفسیر خطبه‌ای غزاء و کوتاه و عمیق است که شرح آن خود کتابی را اقتضاء می‌کند و نگارنده این مقال بر آن شد که ان شاء الله شرحی بر آن نویسد و ضمناً مقاصد و مرامی والای شیخ طوسی و علامه طبرسی و جارالله زمخشری و ابوالفتوح رازی و میبدی و قاضی بیضاوی را بیان کند و وجوه تفوق اقوال را در سایه آثارشان، بهمراه افاضات دیگر مفسران و شارحان عیان دارد.

و با ذکر اصل کتابت ایشان، جهت تعلیم متون قدیم تازی و پارسی به طالبان، مقالات را پایان برد. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. و نخست از بزرگترین آیه قرآن کریم آغاز کند. چه:

كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يَبْدَأْ فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أَهْتَرُ

و از آنجا که شرح کلام بلند قرآنی و بیان دقائق و حقائق فرقانی را راهی طولانی است و در این معدود اوراق ننگنجد، لذا پهنه سخن را به مقالاتی چند تقسیم نمود تا هر مقاله در ضمن ارتباط با قبل خود منحصراً دارای شأنی باشد چه:

هر گلی را رنگ و بوئی داده‌اند. هر نگاری را به شکلی زاده‌اند چشم نرگس را خمارین، لاله را داغ عشقی بر جبین بنهاده‌اند^(۱)

متن خطبه قاضی بیضاوی بر أنوار التنزیل و أسرار التأویل:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا، فَتَحَدَّثُ بِأَفْصَرِ سُورَةٍ مِنْ سُورِهِ مَصَافِعَ الْخُطَبَاءِ مِنَ الْعَرَبِ الْعَرَبَاءِ فَلَمْ يَجِدْ بِهِ قَدِيرًا، وَأَفْحَمَ مَنْ تَصَدَّى لِمَعَارِضِهِ مِنْ فَضَحَاءِ عَدْنَانَ وَبُلْغَاءِ فَحْطَانَ حَتَّى حَسِبُوا أَنَّهُمْ سُحْرُوا تَسْحِيرًا، ثُمَّ بَيَّنَّ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ حَسَبَمَا عَنْ لَهْمٍ مِنْ مَصَالِحِهِمْ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ، وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ تَذَكِيرًا، فَكَشَفَ لَهُمْ فِنَاعَ الْأَنْغِلَاقِ عَنْ آيَاتٍ مُحْكَمَاتٍ هُنَّ أُمَّ الْكِتَابِ، وَ آخَرَ مُتَشَابِهَاتٍ هُنَّ رُمُوزُ الْخِطَابِ تَأْوِيلًا وَ تَفْسِيرًا، وَ أُبْرَزَ غَوَامِضَ

الحَقَائِقِ وَ لَطَائِفِ الدَّقَائِقِ، لِيَتَجَلَّى لَهُمْ خَفَايَا الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ وَ خَبَايَا قُدْسِ
الْجَبْرُوتِ لِيَتَفَكَّرُوا فِيهَا تَفْكِيراً، وَ مَهَّدَ لَهُمْ قَوَاعِدَ الْأَحْكَامِ وَ أَوْضَاعَهَا مِنْ نُصُوصِ
الآيَاتِ وَ أَلْمَاعِهَا، لِيُذْهِبَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ يُطَهِّرَهُمْ تَطْهِيراً، فَمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى
السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ، فَهُوَ فِي الدَّارَيْنِ حَمِيدٌ وَ سَعِيدٌ، وَ مَنْ لَمْ يَرْفَعْ إِلَيْهِ رَأْسَهُ وَ أَطْفَأَ
نَبْرَاسَهُ، يَعِشْ ذَمِيمًا وَ يَضِلَّ سَعِيرًا. فَيَا وَاجِبَ الوجودِ، وَ يَا فَائِضَ الجُودِ، وَ يَا غَايَةَ
كَيْلِ مَقْصُودِ، صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُوَازِي غِنَاءَهُ، وَ تُجَاوِزِي عَنَاءَهُ، وَ عَلَى مَنْ أَعَانَهُ وَ قَرَّرَ
بُنْيَانَهُ تَقْرِيراً، وَ أَفِضْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِهِمْ وَ أَسْأَلُكَ بِنَا مَسَالِكَ كَرَامَاتِهِمْ، وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ
عَلَيْنَا تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

وَ بَعْدُ، فَإِنَّ أَعْظَمَ الْعُلُومِ مِقْدَارًا وَ أَرْفَعَهَا شَرَفًا وَ مَنَارًا، عِلْمُ التَّفْسِيرِ الَّذِي هُوَ
رَأْسُ الْعُلُومِ الدِّيْنِيَّةِ وَ رَأْسُهَا، وَ مَبْنَى قَوَاعِدِ الشَّرْعِ وَ أَسَاسُهَا، لَا يَلِيْقُ لِتَعَاطِيهِ
وَ التَّصَدَّى لِلتَّكَلُّمِ فِيهِ إِلَّا مَنْ بَرَعَ فِي الْعُلُومِ الدِّيْنِيَّةِ كُلَّهَا أَصُولَهَا وَ فُرُوعَهَا، وَ فَاقَ فِي
الصَّنَاعَاتِ الْعَرَبِيَّةِ وَ الْفُنُونِ الْأَدَبِيَّةِ بِأَنْوَاعِهَا. وَ لَطَالَمَا أُحَدِّثُ نَفْسِي بِأَنَّ أَصَنَّفَ فِي
هَذَا الْفَنِّ كِتَابًا يَحْتَوِي عَلَى صَفْوَةِ مَا بَلَّغَنِي مِنْ عَظَمَاءِ الصَّحَابَةِ، وَ عُلَمَاءِ التَّابِعِينَ، وَ
مَنْ دُونَهُمْ مِنَ السَّلَفِ الصَّالِحِينَ، وَ يَنْطَوِي عَلَى نُكْتِ بَارِعَةٍ، وَ لَطَائِفِ رَائِعَةٍ،
أَسْتَنْبَطْتُهَا أَنَا وَ مَنْ قَبْلِي مِنْ أَفَاضِلِ الْمَتَأَخِّرِينَ، وَ أَمَاثِلِ الْمُحَقِّقِينَ، وَ يُعْرَبُ عَنْ
وُجُوهِ الْقِرَاءَاتِ الْمَشْهُورَةِ الْمَعْرُورَةِ إِلَى الْأَيْمَةِ الثَّمَانِيَّةِ الْمَشْهُورِينَ، وَ الشُّوَادِ الْمَرْوِيَّةِ
عَنِ الْقُرَاءِ الْمُعْتَبَرِينَ، إِلَّا أَنَّ قُصُورَ بِضَاعَتِي يُثَبِّطُنِي عَنِ الْأَقْدَامِ، وَ يَمْنَعُنِي عَنِ
الِاتِّصَابِ فِي هَذَا الْمَقَامِ حَتَّى سَنَحَ لِي بَعْدَ الْأَسْتِخَارَةِ مَا صَمَّمْتُ بِهِ عَزْمِي عَلَى
الشَّرُوعِ فِيهَا أَرْدْتُهُ، وَ الْإِتْيَانِ، بِمَا قَصَدْتُهُ، نَاوِيًا أَنْ أَسْمِيَهُ بَعْدَ أَنْ أُتِمَّمَهُ «بِأَنْوَارِ
التَّنْزِيلِ وَ أَسْرَارِ التَّأْوِيلِ». فَهَا أَنَا الْآنَ أَشْرَعُ وَ بِحُسْنِ تَوْفِيقِهِ. أَقُولُ وَ هُوَ الْمَوْفُوقُ لِكُلِّ
خَيْرٍ وَ مُعْطَى كُلِّ مَسْئُولٍ.

شرح :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری وجودی همه جود، لایزال و لایتناهای وجود، بی آغازی بی انتها، بی انبازی یکتا، تمام کمال و جمال، بی همال و سراسر جلال، بخشاینده همگان، و مهربان مؤمنان آغاز می‌کنم.

ز دریای زخار و مواج دوست	نخستین دُر معرفت نام اوست
بگفتا به بسم‌الله آغاز کن	بدین نام برأوج پرواز کن
به توفیق ما بر سر کار شو	به تأیید ماهمراه یار شو
زما یآوری خواه و یاری بجو	زدل حمد و تسبیح ما بازگو
به الله مستجمع لطف و قهر	که او راست ز آسمان نیکوی بحر
به الله یکسر کمال و جمال	همه خیر و خوبی و مجدو جلال
تو آغاز کن کار و گفتار خویش	که با او نیابی ز بیگانه ریش (۲)

قاضی رحمة الله تعالى عليه خطبه آغازین انوارالتنزیل و اسرارالتأویل را با نام آفریدگار جهانیان و پروردگار ایشان آغاز کرد چه در حدیث است که **كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يَبْدَأْ فِيهِ بِبِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أَيْبَرُ** و اگر چه تمام آیات کریمه قرآن مجید در لفظ و معنی به حقیقت بزرگ و عالی قدر هستند اما شکی نیست که بزرگترین و عالی قدرترین آنها **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** است.

اما از جانب دیگر همین آیه کریمه بزرگترین، نزد مذاهب گوناگون اسلامی و مکاتب مختلف کلامی دستخوش أهواء گشته و بعضی آنرا اصلاً از قرآن کریم ندانسته‌اند و بعضی تنها اولین آیه از سوره مبارکه الحمد دانسته و بعض دیگر به حق نخستین آیه قرآن کریم و فاصله میان سوره و بزرگترین آیات شمرده‌اند و این عقیده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه اطهار علیهم السلام است.

از میان مذاهب أهل سنت شافعیان نیز در این عقیدت با شیعه همراهند و قاضی رحمه الله تعالی علیه شافعی بوده است و در تفسیر این آیت گوید:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، من الفاتحة و من کلّ سورة و علیه قراء مکة و الکوفة و فقها و هما و ابن المبارک رحمه الله تعالی و الشافعی و خالفهم قراء المدينة و البصرة و الشام و فقهاؤها و مالک و الأوزاعی و لم ینصّ ابو حنیفة رحمه الله تعالی فیہ بشیءٍ فظنّ أنها لیست من السّورة عنده و سئل محمد بن الحسن عنها فقال ما بین الدفتین کلام الله تعالی و لنا أحادیث كثيرة منها ما روى أبوهريرة رضى الله تعالى عنه أنه علیه الصلاة والسلام قال فاتحة الكتاب سبع آیات أولاهنّ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ و قول أم سلمة رضى الله عنها قَرَأَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الفاتحة و عدّ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الحمد لله رب العالمین آيةً و مِنْ أَجْلِهُمَا اختلف فی أنها آية برأسها أم بما بعدها و الا جماعٌ على أنّ ما بین الدفتین کلام الله سبحانه و تعالی و الوفاقٌ على اثباتها فی المصاحف مع المبالغة فی تجرید القرآن حتّى کم تُکتب آمین. (۳)

این نکته را باید در نظر داشت که اختلافی درباره بسم الله الرحمن الرحيم در سورة مبارکه نمل نیست چه همه اتفاق نظر دارند که بسم الله ... جزئی از آیه ۳۱ سورة مبارکه نمل است. آنجا که قرآن کریم از قول بلقیس چنین می آورد: قالت یا ایها الملأ ائی الّقی الیّ کتابت کریم (۳۰) انه من سلیمن و انه بسم الله الرحمن الرحيم (۳۱) اما در میان کسانی که این آیه کریمه را سرآغاز تمام سور میدانند اختلاف است که آیا منحصرأ یک آیه کامل محسوب می گردد یا با آیه بعدی یک آیه را تشکیل می دهد.

جمال الدین أبو الفتوح رازی، مفسر بزرگ شیعی در قرن ششم هجری، قبل از قاضی بیضاوی، به شرح اختلاف فقهاء در باره این آیه کریمه پرداخته است و می گوید: بدان که بسم الله الرحمن الرحيم آیتی است از فاتحة الكتاب و از هر

سورتی، و این مذهب اسحق و ابو ثور و احمد و ابو عبیده و عطاء و زهری و عبدالله مبارک است، و مذهب شافعی آنست که این آیه از فاتحه آیتی است تمام، و از دیگر سورتها بعضی از آیتی است. این را با مابعد این آیت شمارد، بر یک قول و قول دیگر موافق قول ما و این اختلاف فقهاست که گفتیم و مذهب ابوحنیفه و مالک و أوزاعی آنست که از قرآن نیست نه از الحمد آیتی هست و نه از دیگر سورتها] در اینجا باید خاطر نشان کرد که قاضی بر ابوالفتوح و دیگر مفسران قبل از خود در باره عقیده ابوحنیفه ایراد کرده است که عدم اظهار عقیده ابوحنیفه موجب شده است که بعضی گمان کنند ابوحنیفه نیز چون مالک قائل است که **بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ** از سوره نیست آنجا که در انوار التنزیل گفته است (ولم ینصّ أبو حنیفة رَحِمَهُ اللّٰهُ تَعَالٰی فِیْهِ بِشَیْءٍ فَظَنَّ أَنَّهَا لَیْسَتْ مِنَ السُّورَةِ عِنْدَهُ).]

مالک گوید: در نماز خواندن مکروه است. و از ابوالحسن کرخی دو روایت است یکی موافق مذهب ما، و یکی موافق مذهب ابوحنیفه، و این اختلاف فقهاست در این آیه، اما دلیل بر مذهب صحیح از این مذاهب چند چیز است یکی آنکه با اتفاق و اجماع ائمت، این بعضی است از آیتی در سوره النمل، و اگر همه ائمت را گویند چراگفتی که این آیه در سوره النمل از قرآن است گویند برای آنکه در مصحف یافتیم نوشته بخط مصحف به رنگ سواد مصحف، بر وجهی که هیچ مخالفت و فرق و تمییز نبود. لایذ: حکم بایست کردن که از قرآن است و إلا اگر نه چنین باشد که بسیار آیتها برون آرد و گوید که نه از قرآن است با آنکه این قضیه در حق او ثابت باشد و این مؤدی بود با خرق اجماع و فتح باب جهالت. ابوالفتوح، سپس به بیان دلائلی می پردازد و با حجّت و دلیل و ذکر اخبار و احادیث ثابت می کند که **بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ** نه تنها از قرآن است بلکه بزرگترین و نیز نخستین آیه از هر سوره می باشد. (۴)

ابو علی فضل بن حسن طبرسی مفسر بزرگ شیعه متوفی بسال ۵۴۸ هـ (۵) در این

مورد داد سخن داده و نظر علمای امامیه را اینگونه بیان میدارد. «اتَّفَقَ أصحابنا أنَّها آية من سورة الحمد و من كلِّ سورة و أنَّ من تركها في الصلاة بطلتْ صلاته، سواء كانت الصلاة فرضاً أو نقلاً و أنه يجب الجهر بها فيما يجهر فيه بالقراءة و يستحبُّ الجهر بها فيما يخافت فيه بالقراءة و في جميع ما ذكرناه خلاف بين فقهاء الأمة و لا خلاف في أنَّها بعض آية من سورة النمل و كلُّ من عدَّها آية جعل من قوله صراط الذين إلى آخر السورة آية و من لم يعدها آية جعل صراط الذين أنعمت عليهم آية و قال انها افتتاح للتيمن و التبرك و أنا القراء فإنَّ حمزة و خَلْفاً و يعقوب و اليزيديُّ تركوا الفصل بين السور بالتسمية و الباقون يفصلون بينها بالتسمية إلا بين الأنفال و التوبة.

روی عن علی بن موسی الرضا (ع) أنه قال بسم الله الرحمن الرحيم أقرب إلى أسم الله الأعظم من سواد العين ألى بينها و روى عن الصادق (ع) أنه قال ما لهم قاتلهم الله عمدوا ألى اعظم آية في كتاب الله فزعموا أنها بدعة اذا أظهروها و هي بسم الله الرحمن الرحيم. (٦)

أبوالمفسرين، أبو جعفر محمد بن جرير طبري متوفى به سال ٣١٠ هـ در أمّ التفاسير موسوم به جامع البيان في تأويل القرآن، چه نيکو آورده است كه: إِنَّ اللَّهَ تعالى ذِكْرُهُ و تقدست اسماؤه أدب نبيّه محمداً صلى الله عليه و آله و سلم بتعليمه، تقديم ذكر اسمائه الحسنی امام جميع أفعاله، و تقدم إليه في وصفه بها قبل جميع مَهَمَّاته، و جعل ما أدبُهُ من ذلك و علمه آياته، منه لجميع خلقه سنَّة يستنون بها، و سبيلاً يتبعونه عليها، فبه أفتتاح أوائل منطقتهم، و صدور رسائلهم و كتبهم و حاجاتهم، حتّى أغنت دلالة ماظهر من قول القائل بسم الله، على ما بطن من مراده الذي هو محذوف.

سپس حدیثی از ابوکریب نقل می کند که به ابن عباس منتهی می گردد که: إِنَّ أَوَّلَ مَا نَزَّلَ بِهِ جِبْرِيلَ عَلَى مُحَمَّدٍ (ص)، قال: يا مُحَمَّد، قُل: أَسْتَعِينُ بِالسَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ

الشیطان الرجیم. ثمَّ قال: قل: بسم الله الرحمن الرحيم قال: قال له جبریل: قُلْ بِسْمِ
الله یا محمّد، یقول: اقرأ بذكر الله ربّك، و قم واقعد بذكر الله. (۷)

جلال‌الدین سیوطی متوفی بسال ۹۱۱ هـ در الدّار المنثور فی التفسیر المأثور با
إسنادهای طولانی بذكر احادیثی قوی و ضعیف در باره این آیه کریمه می‌پردازد و
سلسله سند را به امّ سلمه و بریده و ابن عبّاس و ابن عمر و سعید بن جبیر و ابن
مسعود و أبوهریره و علیّ بن زید بن جدعان و أنس و حضرت علیّ ابن ابی طالب
علیه السلام و جابر و نعمان بن بشیر و حکم بن عمیر و عائشه و محمّد بن کعب
قرظی و عثمان بن عفّان و أبوسعید خدری و گروهی دیگر رحمهم الله تعالی و رضی
عنهم می‌رساند (۸) و مابا تحقیق در آنها به نتایج زیر می‌رسیم که:

۱ - نخستین آیه که بر پیمبر اکرم نازل شده است آیه‌ای است که نام اعظم خدای
تعالی یعنی الله در آن آمده است و سپس صفتی که بر رحمت شامله حق جلّ و
علیّ بر همه موجودات و مخلوقات عالی و دانی دلالت دارد و آن الرَّحمن است. و
بعد از آن صفتی که به رحمت حقّ بر مقرّبان و مخلصان و مؤمنان و خواصّ تعلق
یابد و آن رحیم است.

۲ - هر حرف از این بزرگترین آیه، بر معنایی نیز اشارت دارد.

۳ - این آیه کریمه در فاصله میان سُور نازل می‌شده است و بر سر همه سوره‌ها
آمده است [جز سوره مبارکه براءة].

۴ - ترک آن موجب خلل در سبع المثانی و نقض آنست و از آنجا که حضرتش
فرموده است لا صلوة إلاّ بفتح الکتاب پس چون در نماز بیفتد، حمد ناقص و نماز
باطل شود.

۵ - این آیه کریمه قبل از پیمبر اکرم (ص) بر پیمبران گذشته نیز نازل شده است.

۶ - پیمبر اکرم و به تبعیت ایشان، صحابه، آنرا در نماز یا قراءت قرآن کریم، با
صدای بلند می‌خوانده‌اند.

- ۷- حضرت رسول اکرم (ص) و صحابه به تفسیر این آیه کریمه پرداخته‌اند.
 - ۸- با قراءت این کریمه انواع بلا دور می‌گردد.
 - ۹- قراءت این آیه را موجب نجات از آتش دوزخ دانسته‌اند.
 - ۱۰- ثواب قراءت آن نه تنها به خود خواننده، بلکه به معلم و پدر و مادر نیز میرسد.
 - ۱۱- این آیه کلید گشایش هر کتابی است.
 - ۱۲- طرز کتابت این آیه سفارش شده است.
 - ۱۳- کتابت آن بدست شخص ناپاک مکروه است.
 - ۱۴- هر که از باب تعظیم خدای تعالی این آیه را با خطّ خوش نویسد خدای تعالی گناهان او را ببامرزد.
 - ۱۵- در کتابت این آیه چنان دقت می‌کردند که اگر کسی حرفی از حروف آنرا بد خط می‌نوشت او را می‌زدند و یا از شغل کتابت عزل می‌نمودند.
 - ۱۶- از انداختن آن به زیر پا یا نهادن در جای نامناسب نهی و لعن کرده‌اند و بردارنده آنرا از جای نامناسب نوید رحمت حقّ داده‌اند. رحمتی که به والدین او نیز می‌رسد. گر چه آندو کافر باشند.
 - ۱۷- بعضی از راویان گفته‌اند که رسول اکرم (ص) بخاطر استهزاء مشرکان و کافران قریش و مکه این آیه بزرگ را به‌إسرار می‌خوانده‌اند و به جهر بیان نمی‌نمودند و حتی امر به‌إسرار و عدم جهر آن فرموده‌اند و این موضوع عقلانی نیست چه پیمبری که برای تبلیغ دین مبین آمده است و مأمور رساندن و مهر کردن نام و صفات بزرگ خدای تعالی به گوشها است. بزرگترین و عالیقدرترین آیه قرآن را آرام و کوتاه نمی‌خواند و إن شاء الله تعالی در سطور آینده به نظر ائمه و مفسران شیعه علیهم السلام در این باره می‌پردازیم تا صدق مدعی عیان شود و نقد احادیث درباره جهر یا‌إسرار در قراءت بسم‌الله اظهار گردد.
- البته این موضوع را باید در نظر داشت که سیوطی احادیث مربوط به جهر آیه را

ابتداء آورده و مربوط به اِسرار را در آخر بیان کرده است.

حال از آنجا که مقاله را وسیله تعلیم و تعلّم می دانم با حذف اسامی راویان به ذکر بعضی از احادیث مرویه در الدر المنثور می پردازم تا دانشجویان و محققان را اِنْ شاء الله بکار آید و از آنجا که تَعَلّم زبان عربی، به اعتبار و احترام قرآن کریم و دین مبین اسلام، برای هر مکلفی مقبول و فرض است تا کلام خدای تعالی و فرائض دین را نیکو فرا گیرد و بفهمد و بکار برد. از جانب دیگر معلوم شود که این آیه از قرآن است و بر هر سوره‌ای، جز سوره مبارکه براءة قرار دارد و آنرا نیز باید با صدای بلند قراءت کرد.

عن امّ سلمه: أنّ النبی (ص) کان یقرأ «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین، الرحمن الرحیم، ملک یوم الدین، ایاک نعبد و ایاک نستعین، اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین أنعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضّالّین» قطعها آیه آیه و عدّها عدّ الاعراب، و عدّها بسم الله الرحمن الرحیم و لم يعد علیهم».

عن ابن عباس قال: بسم الله الرحمن الرحیم آیه

عن ابن عمر: أنّ رسول الله (ص) قال: کان جبریل اذا اجاء نى بالوحى اوّل ما یلقى علیّ بسم الله الرحمن الرحیم. و عنه أيضاً: نزلت بسم الله الرحمن الرحیم فی کل سوره.

عن ابن عبّاس قال: کان النبی (ص) لا یعرف فصل السّوره - و فی لفظ، خاتمة السّوره حتّی تنزل علیه بسم الله الرحمن الرحیم، زاد البزاز، و الطبرانی، فاذا نزلت، عرف أن السّوره قد حُتمت و استقبلت، أو اُبتدئت سوره اُخری.

و عنه أيضاً: کان المسلمون لا یعرفون انقضاء السّوره حتّی تُنزل بسم الله الرحمن الرحیم فاذا نزلت عرفوا أن السّوره قد انقضت.

عن ابی هریره قال: قال رسول الله (ص) علّمنی جبریل الصلاة فقام فکبر لنا ثمّ قرأ بسم الله الرحمن الرحیم فیما یجهر به فی کلّ رکعة.

عن علي بن زيد بن جدعان: أن العبادة كانوا يستفتحون القراءة بسم الله الرحمن الرحيم ويجهرون بها. عبد الله بن عباس ، و عبد الله بن عمر ، و عبد الله بن الزبير. عن أبي هريرة قال: كنتُ مع النبي (ص) في المسجد اذ دخل رجل يصلي، فافتتح الصلوة، و تعوذ ثم قال: الحمد لله رب العالمين ، فسمع النبي فقال: يا رجل قطعت على نفسك الصلاة، أما علمت أن بسم الله الرحمن الرحيم من الحمد. فمن تركها فقد ترك آية، و من ترك آية فقد أفسد عليه صلاته.

و عن علي (ع) أنه كان اذا افتتح السورة في الصلاة يقرأ بسم الله الرحمن الرحيم و كان يقول من ترك قراءتها نقص و كان يقول هي تمام السبع المثاني من طريق أبي طفيل قال: سمعت علي بن أبي طالب، و عمارة يقولان: إن رسول الله (ص) كان يجهر في المكتوبات ب بسم الله الرحمن الرحيم في فاتحة الكتاب.

عن أبي هريرة قال : كان رسول الله (ص) يجهر ب بسم الله الرحمن الرحيم السورتين في الصلاة وأخرج الدارقطني عن علي بن أبي طالب (ع) قال : كان النبي (ص) يجهر ب بسم الله الرحمن الرحيم في السورتين جميعاً.

و عن ابن عمر قال : صلّيت خلف النبي (ص) و أبي بكر و عمر فكانوا يجهرون. ب بسم الله الرحمن الرحيم عن التّعمان بن بشير قال : قال رسول الله أمّني جبريل عليه السلام عند الكعبة ، فجهر ب بسم الله الرحمن الرحيم.

عن الحكم بن عمير و كان بدرياً قال «صلّيت خلف النبي (ص) فجهر في الصلاة بسم الله الرحمن الرحيم في صلاة الليل و صلاة الغداة و صلاة الجمعة.

أمّا باكمال تعجب، در برابر احاديثي كه بر جهر اين آيه كريمه از جانب پيغمبر اكرم (ص) دلالت دارد، احاديثي را مي نگريم كه حاكي از آن است كه حضرت به عدم جهر آيه پرداخته است و بي شكّ اين احاديث نبايد موثق باشد:

أخرج أبو داود في مراسيله عن سعيد بن جبيرة قال : كان رسول الله (ص) يجهر ب بسم الله الرحمن الرحيم بمكة ، و كان أهل مكة يدعونه مسيلمّة الرحمن فقالوا: إن

محمداً يدعو الى إله اليمامة، فأمر رسول الله (ص) بإخفائها، فما جهر بها حتى مات. وأخرج الطبراني من طريق سعيد بن جبیر عن ابن عباس قال: كان رسول الله (ص) اذا قرأ «بسم الله الرحمن الرحيم» هزأ منه المشركون و قالوا: محمد يذكر إله اليمامة، وكان مسيلمة يتسمى الرحمن. فلما نزلت هذه الآية أمر رسول الله (ص) أن لا يجهر بها.

از جانب دیگر کار رابه جائی رسانده اند که جهر به «بسم الله الرحمن الرحيم» را بدعت دانسته اند.

أخرج ابن أبي شيبه عن ابراهيم قال: جهز الإمام «بسم الله الرحمن الرحيم» بدعة. در صورتیکه ابو الفتح رازی گوید: از حضرت رضا (ع) روایت کردند از پدرش کاظم (ع) از پدرش صادق (ع) که فرمود: اجتمع آل محمد (ص) على الجهر ببسم الله الرحمن الرحيم و على قضاء مافات من الصلوة فى الليل بالنهار، على قضاء مافات فى النهار بالليل و على أن يقولوا فى أصحاب النبى (ص) أحسن قول. گفت آل محمد اجماع کردند بر آنکه آواز بر باید داشتن باین آیه. و بر قضاء نماز شب به روز باید کردن و قضاء نماز روز به شب و در صحابه رسول خیر باید گفتن. و در سبب نزول آیت که «ولا تجهر بصلاتك و لا تخافت بها» آورده اند که رسول (ص) به مکه چون نماز کردی آواز بلند برداشتی، به قراءت بسم الله الرحمن الرحيم مشرکان گفتند رحمن یمامه را می خواند یعنی مسیلمه کذاب و رسول (ص) آواز نرم کرد به این آیه، چنانکه کس نمی شنید. حق تعالی این آیه فرستاد «ولا تجهر بصلاتك» یعنی جهراً یسمعه المشركون فیستهزئون «ولا تخافت بها» اخفاً لا یسمعه أصحابك «وابتغ بین ذلك سبیلاً»^(۹)

و حق همین است که حق تعالی به پیامبر بزرگوارش تعلیم فرموده است چه بر رسول است که لجاجت مشرکان را برنینگیزد و راه تعادل در ابلاغ و تبلیغ خود پیماید و به عقلها و وجدانهایشان فرصت دهد تا بیدار گردند و حق را پذیرند.

سید هاشم بحرانی نیز به ذکر احادیثی از ائمه علیهم السلام در شأن این آیه کریمه پرداخته است که به برخی از آنها اشارت می‌کنیم:

محمد بن حسن طوسی با سندش از محمد بن مسلم نقل می‌کند که از اباعبدالله (ع) می‌پرسد:

۱- «قال سألتُ أبا عبدالله (ع) عن السبع المثاني و القرآن العظيم أهي الفاتحة؟ قال نعم، قلت بسم الله الرحمن الرحيم من السبع؟ قال نعم هي أفضلهن.

۲- قيل لا مير المؤمنين يا أمير المؤمنين أخبرنا عن بسم الله الرحمن الرحيم، أهي من فاتحة الكتاب فقال نعم كان رسول الله يقرأ و يعدها منها و يقول فاتحة الكتاب هي السبع المثاني.

۳- عن أبي حمزه عن أبي جعفر (ص) قال سرقوا اكرم آية من كتاب الله بسم الله الرحمن الرحيم.

۴- عن صفوان الجمال قال قال ابو عبدالله (ع) ما أنزل الله كتاباً إلا و فاتحته بسم الله الرحمن الرحيم وإنما كان يعرف انقضاء السورة بنزول بسم الله الرحمن الرحيم ابتداءً للأخرى.

عن أبي جعفر، و أبي عبدالله (ع) : قال في تفسير بسم الله الرحمن الرحيم:

الباء: بهاء الله والسين: سناء الله و الميم: ملك الله و الله: اله كل شيء و الرحمن بجميع خلقه و الرحيم بالمؤمنين خاصة. و باز از حضرت ابی عبدالله روایت شده است که الميم مجد الله و الله إله كل شيء و الرحمن بجميع خلقه و الرحيم بالمؤمنين خاصة.

از حسن بن علی بن محمد علیهم السلام در باره بسم الله الرحمن الرحيم سؤال شد: فرمود. هو الله الذي يتأله إليه عند الحوائج و الشدائد كل مخلوق عند انقطاع الرجاء عن كل من هو دونه و تقطع الاسباب من جميع من سواه تقول باسم الله ای استعین علی اموری كلها بالله الذي لا تحق العبادة إلا له و المغیث اذا استغیث و

المجيب اذا دعى و هو ما قال رجل للصادق يابن رسول الله دلتنى على الله ما هو، فقد اكثر على المجادلون و حيرونى؟ فقال له يا عبد الله هل ركبت سفينة قط؟ قال نعم فقال هل كسرت بك حيث لاسفينة تنجيك ولا سباحة تغنيك؟ قال نعم قال الصادق عليه السلام فهل تعلق قلبك هنا لك ان شيئاً من الاشياء قادر على ان يخلصك من ورطتك؟ قال نعم قال الصادق عليه السلام فذلك الشيء هو الله القادر على الإنجاء حيث لا منجى و على الاغاثة حيث لا مغيب ثم قال الصادق عليه السلام ولربما ترك بعض شيعتنا فى افتتاح امره بسم الله الرحمن الرحيم فيمتحنه الله عزّ وجلّ بمكروه لينبئه الله على شكر الله تبارك و تعالى و الثناء عليه و يمحق عنه و صمة تقصيره عند تركه قوله بسم الله الرحمن الرحيم قال و قام رجل الى على بن الحسين عليه السلام فقال اخبرنى ما معنى بسم الله الرحمن الرحيم؟ فقال على بن الحسين حدثنى ابي، عن اخيه الحسن، عن امير المؤمنين عليه السلام ان رجلاً قام اليه فقال يا امير المؤمنين اخبرنى عن بسم الله الرحمن الرحيم ما معناه؟ فقال ان قولك الله اعظم اسماء الله عز و جل و هو الاسم الذى لا ينبغى ان يسمى به غير الله و لم يتسم به مخلوق فقال الرجل فما تفسير قول الله؟ قال هو الذى يتأله اليه عند الحوائج و الشدائد كل مخلوق عند انقطاع الرجاء من جميع من دونه و تقطع الاسباب من كل ما سواه و ذلك كل متأسس فى هذه الدنيا و متعظّم فيها و ان عظم غناه و طغيانه و كثر حوائج من دونه اليه فانهم سيحتاجون حوائج لا يقدر عليه فينقطع الى الله حين ضرورته و فاقتة حتى اذا كفى همه عادالى شركه اما تسمع الله عز و جل يقول، «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمْ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَ تَتَّسَبُونَ مَا تُشْرِكُونَ» * فقال الله عز و جل لعباده ايها الفقراء الى رحمتى إني قد الزمتكم الحاجة اليّ فى كل حال و ذلة العبودية فى كل وقت فإلني

فأفزعوا في كل أمر تأخذون و ترجعون تمامه و بلوغ غايته فاني ان أزدت ان اعطيكم لم يقدر غيري على منعكم و ان أزدت ان أمنعكم لم يقدر غيري على اعطائكم فأنا أحق من يُسأل و اولى من تضرع اليه فقولوا عند افتتاح كل أمر صغير أو عظيم بسم الله الرحمن الرحيم اي استعين على هذا الامر الذي لاتحق العبادة لغيره الاله المعجيب اذا دعى، المغيث اذا استغيث الرحمن الذي يرحم ببسط الرزق عليه الرحيم بنا في ادياننا و دنيانا و آخرتنا خفف علينا الدين و جعله سهلا خفيفاً و هو يرحمنا بتمييزنا من اعدائه ثم قال: قال يا رسول الله من حزنه امر و تعاطاه فقال بسم الله الرحمن الرحيم و هو مخلص لله و يقبل بقلبه اليه لم ينفك من احدى اثنتين اما بلوغ حاجته في الدنيا و اما يعدله عند ربه و يدخر له و ما عند الله خير و ابقى للمؤمنين. (۱۰)

مراجع و مأخذ

- ۱- رباعی از شاعر و عارف خوشگفتار، مرحوم سید محمد حسین انوار
- ۲- ترجمه منثور و منظوم از نگارنده مقاله
- ۳- قاضی بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۱ ص ۵، دارالکتب العلمیه، بیروت لبنان
- ۴- جمال الدین شیخ ابوالفتح رازی، روح الجنان و روح الجنان، ج ۱ ص ۲۵ و ۲۶، تصحیح مرحوم میرزا ابوالحسن شعرانی، اسلامیه
- ۵- در سال وفات علامه طبرسی میان مورخان اختلاف است. در کتاب رجال امیر سید مصطفی تفریسی آمده است که بسال ۵۲۳ از مشهد مقدس به سبزوار منتقل شد و سال ۵۴۸ هجری در این شهر به دار باقی شتافت اما حاجی خلیفه در کشف الظنون سال وفات او را ۵۶۱ آورده است و در روضات الجنات وفاتش در شب عید قربان سال ۵۴۸ ذکر شده است و اینکه پس از وفات به مشهد مقدس

منتقل گردیده و در محلی موسوم به «قتلگاه» مدفون است و در کتاب مقابیس آمده است که در مغتسل الرضا (ع) در طوس بخاک سپرده شده است و گویند که قبرش در طوس معروف و مشهور است و محل زیارت مردم «به مجمع البیان ص ۵۷ جزء اول، طبع دارالمعرفه است للطباعة و النشر ثانیه ۱۴۰۸-۱۹۸۸ م مقدمه محسن الحسینی العاملی مراجعه شود»

۶- شیخ أبو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان ج ۱ ص ۸۷ و ۸۸، تصحیح السید هاشم الرسولی المحلاتی و السید فضل الله الیزدی الطباطبائی، طبع دارالمعرفة للطباعة والنشر

۷- ابو جعفر محمد بن جریر الطبری، ج ۱ ص ۷۸ طبع دارالکتب العلمیه، بیروت - لبنان الطبعة الاولى ۱۴۱۲ هـ ۱۹۹۲ م.

۸- عبدالرحمن جلال الدین السیوطی، الدر المنثور، ج ۱ ص ۱۰ تا ۳۰، دارالفکر الطبعة الأولى، ۱۴۰۳ هـ ۱۹۸۳ م لبنان بیروت

۹- شیخ ابو الفتوح رازی، روح الجنان و روح الجنان ج ۱ ص ۲۸، آیه الله شعرانی، اسلامیة

۱۰- السید هاشم البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱ ص ۴۵، مؤسسة الوفاء بیروت الطبعة الثانية ۱۴۰۳ هـ ۱۹۸۳ م